

مبارزه پیامبر (ص) با نفوذ خزنده تفکر رهبانی در اخلاق مسلمانان

مهدی مهدوی پناه^۱، افراسیاب صالحی شهرودی^۲، قاسم شفیعی^۳

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

^۲ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

^۳ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (نویسنده مسئول)

چکیده

عوامل متعددی در شکل گیری تفکرات اخلاقی پیروان یک مکتب نقش ایفا می کنند، در این میان نقش آموزه های مکاتب و ادیان مجاور و تفکرات پیشین، عاملی تأثیر گذار و تعیین کننده است. یکی از راهبردهای دین مبین اسلام در حوزه اخلاق، نوع مواجهه اش با مواهب دنیایی و غرایز انسانی بوده است، اما نشانه هایی از تاثیرپذیری مسلمانان از تفکرات اخلاقی مسیحیت، پیامبر گرامی ص را بر آن داشت که نسبت به این نگرانی اعلام موضع کرده و به مقابله با آن بپردازد. زیرا عدم ممانعت از این انحراف در همان مراحل اولیه، می توانست عامل ایجاد نگرانی های جدی برای اخلاق مسلمانان بعد از وفات ایشان باشد.

واژه های کلیدی: اسلام، اخلاق اسلامی، رهبانیت، رهبانیت مسیحی

مقدمه

رهبانیت در لغت به معنای ترس همراه با اضطراب می باشد. در اصطلاح، راهب کسی است^۱ که در صومعه به عبادت مشغول است هدف این کناره گیری از اجتماع تلاش بیشتر برای سرعت بخشیدن سیر خویش در مسیر قرب خداوند بوده است

در تواریخ ادیان سابقه گرایشهای رهبانی به دین یهود و حتی قبل از آن بر میگردد (میشل، ۱۳۸۱: ۶۵) راهبان طیف گسترده ای از محدودیتها و آداب سختگیرانه را بر خود تحمیل می کردند، از جمله این آداب، عدم بهره مندی از امکانات مالی، خوابیدنهای طولانی، با بدن برهنه در معرض نیش پشه های موذی خوابیدن، حمل بار سنگین یا بستن غل و زنجیر به پا، سخن نگفتن مگر به هنگام ضرورت، خواندن دعاها و طولانی و متعدد در طول شبانه روز و البته معروفترین این آداب مجرد دائمی بوده است.

هر چند برخی از مناسکی که از راهبان مسیحی ذکر شد مثل کم خوابیدن و کم خوردن، در قالب نماز شب و روزه های مستحبی یا کم حرف زدن و سکوت، در راستای تعالی معنوی انسان مورد تاکید اسلام بوده است. اما آیات قرآن و سیره معصومین(ع)، حاوی جزئیاتی در این موارد می باشد که در نظر نگرفتن آن جزئیات می تواند کار کرد این گونه تلاشها را کاملاً وارونه کرده و اثر تخریبی در رشد و کمال اخروی و زندگی دنیایی افراد داشته باشد.

۱- توجه به سطوح ایمانی و حمل کردن ریاضاتی بیشتر از حد ظرفیت بر خود یا بر دیگران: در اسلام به مرتبه ایمانی و ظرفیت وجودی افراد توجه شده است، به عنوان مثال در سوره مزمل از پیامبر اکرم(ص) خواسته شده حدود نصفی از شب را به تلاوت قرآن بگذرانند اما به عامه مردم توصیه شده است که هر مقدار که برایتان میسر است قرآن بخوانید، یعنی با وجود این که قرآن خواندن آثار مثبت معنوی زیادی به همراه دارد اما در ظرفیتهای پایین ایمانی نباید به عنوان یک واجب شرعی آنرا بر عامه تحمیل کرد تا دچار آثار منفی تحمیل وظیفه بیش از حد توان و ظرفیت نشوند.

۲- نباید به بهانه تلاشهای معنوی هر نوع محدودیتی را بر خود تحمیل کرد یعنی برخی اعمال در هر مرتبه ایمانی و با هر نیتی که باشد مورد نهی قرار گرفته اند مثل مجرد.

۳- پرداختن به ریاضتهای شرعی و امور معنوی نباید موجب بی توجهی به وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی شود. در این مقاله سعی شده است تا با یک نگاه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع و اسناد کتابخانه ای به موضوع تأثیر پذیری مسلمانان صدر اسلام از افکار رهبانی مسیحیان آن دوره و تلاشهای پیامبر ص برای جلوگیری از این امر بپردازیم؛ در این راستا مطالب مربوطه در دو بخش ارائه شده است.

در بخش اول بعد از معرفی مختصری از رهبانیت و مطالعه ای گذرا بر چگونگی ایجاد و گسترش تفکر مسیحی در شبه جزیره عربستان، سعی خواهیم کرد مستندات در جهت اثبات این ادعا که نشانه های تمایلات رهبانی از زمان حیات پیامبر اکرم(ص) در میان مسلمانان آشکار شده بود ارائه کنیم.

در بخش دوم با مبنا قرار دادن مطالب بخش اول سعی خواهیم کرد نگرانی حضرت پیامبر ص از نفوذ تفکر رهبانی در میان مسلمانان و تلاشهای ایشان برای مقابله با آن را بررسی کنیم.

بخش اول

قرآن کریم به این مسئله که رهبانیت مسیحی از آموزه های حضرت عیسی(ع) نبوده و از ابداعاتی بوده است که مسیحیان آنرا به دین خود افزوده اند توجه داده است. (حدید: ۲۷) در عین حال مستندات تاریخی هم گویای این نکته است که

۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۵۰۲ق.ه)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ ج دوم، ترجمه‌ی حسین خداپرست؛ چاپ اول، قم: دفتر نشر نوید

اسلام، ۱۳۸۷ش، ص ۸۳۳.

- مزمل(۷۳) آیه ۳ و ۲۰

تمایلات رهبانی حاصل تراوشات ذهنی مسیحیان قرون اولیه بوده که به مرور رشد کرده و نهایتاً در قرن سوم به عنوان یکی از ضروریات روحانیت مسیحی استقرار یافت.^۳

در مورد ریشه های قدیمی تر رهبانیت باید گفت، هر چند در کتاب مقدس عباراتی یافت می شود که می توانست زمینه تمایلات رهبانی را در میان مسیحیان فراهم کند، اما نمی توان نقش ادیان و مگاتب دیگر مثل بودایی، مصری، و برخی یهودیان و... را در ایجاد هسته های اولیه تمایلات رهبانی در میان مسیحیان نادیده گرفت. (ویل دورانت، ۱۳۷۳: ۷۴/۴)

از جمله عواملی که منجر به گرایش شدید برخی مومنان مسیحی به این امر شد، شیوع دنیاطلبی و فساد میان روحانیون مسیحی، بعد از مسیحی شدن روم بود «بنابراین، برخی از مؤمنان غیرتمند مسیحی، با استناد به عبارتی در یکی از رساله های «پولس حواری»، چنین استنتاج کردند که «هر گونه رابطه جنسی میان زن و مرد گناه است»؛ از این رو ازدواج را تقبیح کردند و کشیش متأهل را فردی، نفرت انگیز دانستند.... در نهایت در سال ۳۸۶، شورای از کیشیشان روم، تجرد کامل کشیشان را توصیه کرد؛ و یک سال بعد، «پاپ سیریکوس» فرمان داد تا هر کشیشی که ازدواج کند یا زندگی با زن خود را ادامه دهد خلع لباس خواهد شد.^۵

از نظر استاد مطهری دلیل گرایش به ریاضتهای شدید و رهبانی، در میان مسیحیان، تفسیر خاص اهل کلیسا از مجرد زیستن حضرت عیسی(ع) بود، آنها تصور می کردند «علت این که مسیح تا آخر مجرد زیست، پلیدی ذاتی این عمل(ازدواج) است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۱)

علل اعتقادی دیگری هم برای تشویق به رهبانیت به مرور مطرح شد: «تجرد در آغاز با عقیده به بازگشت قریب الوقوع عیسی و فرارسیدن روز پایانی ارتباط داشت. با گذشت زمان و روشن شدن اینکه بازگشت عیسی نزدیک نیست، برخی مسیحیان، به نشانه حیات جدیدی که باید در مسیح ایجاد کرد و به نشانه روابط جدید در جامعه مسیحیت - روابطی که نه بر قرابت جسمانی، بلکه بر ایمان به خدا استوار بود - تجرد را برگزیدند. در طول تاریخ مسیحیت، تجرد یک شیوه استثنایی برای افرادی محدود از مسیحیان تلقی شده است که احساس می کنند به طور خاص دعوت شده اند تا حیات ایمانی خود را به آن شیوه ادامه دهند. (توفیقی، ۱۳۷۹: ۹)

به مرور اعتقاد به قبیح دانستن امور جنسی به صورت جدی تر تعقیب شد و دامنه آن به میان مردم عادی هم کشیده شد: «آگوستین قدیس (۴۳۰-۳۵۴م) از رهبران قرون اولیه مسیحی، هر چند مقاربت جنسی را ذاتاً قبیح می دانست؛ در عین حال، تصریح می کرد که رابطه جنسی بین زوجین، مشروط به آن که برای تکثیر نسل و حصول فرزند باشد، گناه نیست اما باید توجه داشت که: مرد با تقوی کسی است که در زندگی زناشویی نیز بتواند شهوت را از خویش براند» (راسل، ۱۳۶۵: ۵۰۸/۱)

مسیحیت در شبه جزیره عربستان

مدهتها پیش از ظهور اسلام، به تدریج و به دلائل مختلف مسیحیت در شبه جزیره عربستان منتشر شد. از جمله این دلایل تلاشهای روم و حبشه بود که با انگیزه های مذهبی و سیاسی، مسیحیت را توسط مبلغان مذهبی به جزیره العرب آوردند. (طبری، ۱۳۵۲: ۷۰ و زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ تحلیلی عصر نبوت؛ تهران: سمت، ص ۹)

۳ - در آغاز بعضی اشخاص که به سخنان قدیس پولس حواری ایمان داشتند اندرز او را که می گفت: مؤمنان عیسوی را از زن و مرد شایسته است که به تجرد و تفرّد زندگی کرده و دوشیزه و بی همسر بمانند، در دل داشتند، به این روش گرانیدند، لکن ظهور رهبانیت به صورت یک نهضت خاص مبتنی بر قطع علاقه از اجتماع در اواخر قرن سوم میلادی به وقوع پیوست (ناس، ۱۳۷۷: ۶۳۹)

۴ - مزامیر ۸۴ آیه ۴، جامعه ۷ آیات ۲۶ الی ۲۸، متی ۱۹ آیات ۱۰ الی ۱۲ و...

پگاه حوزه < ۱۱ آبان ۱۳۸۷، شماره ۲۴۲ تأملی بر اندیشه های «هیرونوموس» مترجم انجیل و مبلغ رهبانیت مسیحی در قرن چهارم میلادی/ رهبانیت افراطی/ نشریه مقاله

از دیگر عوامل گسترش مسیحیت در عربستان و اطراف آن حضور پیروان نسطوریوس- اسقف قسطنطنیه- در آنجا بود، «قبیله بکر بن وائل در دیار بکر که در مسیر شام به سوی عراق واقع شده بود ساکن بودند و بعد از آنها در امتداد شمال، عراق قبایل ایاد و تغلب زندگی می کردند و نصرانیت یعقوبی هم در بین آنها نفوذ کرده بود؛ بلکه باید گفت که نصرانیت در حیره که نزدیک کوفه قرار داشت به صورت جدی منتشر شده بود و به اهالی آن جا به خاطر عبادت خداوند، عبادین می گفتند ولی اینها غیر از یعاقبه (یعقوبی‌ها) بودند و به آنها نساطره (نسطوریان) که منسوب به نسطوریوس (متوفای سال ۴۵۰م) است می گفتند.» (یوسفی غروی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

اعراب مکه و مدینه هم از قبل از اسلام با مسیحیان تعامل داشته و با افکار آنها آشنا بودند، ارتباطات تجاری از اصلی ترین عوامل این تعاملات بود، یکی از مشاغلی که اهالی مکه به واسطه خشک و لم یزرع بودن منطقه به آن رو می آوردند تجارت بود، این تجارتها در دو مسیر اصلی انجام می شد. مسیر تابستانه تجارت اعراب از مکه آغاز شده با گذر از مدینه به سمت فلسطین، اردن امتداد پیدا کرده نهایتاً به لبنان ختم می شد که در بخش عمده این مسیر مسیحیان پراکنده بودند و مسیر تابستانه که با گذر از نجران به خلیج عدن در یمن ختم می شد، که در این مسیر هم مسیحیان در طول راه و هم در مقصد حضور جدی داشتند. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۱۳)

در این سفرهای تجاری اعراب با پیروان ادیان دیگر آشنا شده و گفت و شنودها و تعاملات فرهنگی میان آنها اتفاق می افتاد خصوصاً این که گاهی کاروانهای تجاری اعراب در کنار دیرها و کلیساها برای استراحت توقف می کردند، به عنوان مثال از جمله گزارشات تاریخی، پیش گویی بحیرای راهب در مورد پیامبری، پیامبر اکرم (ص) است که در یکی از همین سفرهای تجاری اتفاق افتاد. با تأمل در گفتگوی رد و بدل شده به این نتیجه می رسیم که اعراب به اخباری و مطالبی که راهبان مطرح می کردند توجه کرده و به دیده اعتماد به آنها نظر می کردند.

طبری ماجرای شناسایی حضرت محمد(ص) در نوجوانی توسط بحیرای راهب را چنین نقل می کند: «ابوطالب پیامبر اکرم (ص) را در یک سفر تجاری با خود به همراه داشت در مسیر ،کاروان در کنار اقامتگاه بحیرای راهب توقف کرد و او نشانه های پیامبر اکرم(ص) را با نشانه هایی که در انجیل مطالعه کرده بود مطابق دید و بعد از این که ابوطالب را از این موضوع مطلع کرد به او اینچنین گفت» «او به دیار خویش ببر و از یهودیان بر او بیمناک باش که به خدا اگر او را ببینند آنچه من از او دانستم بدانند به او آسیب می رسانند که سرنوشتی بزرگ دارد، زودتر او را به دیار خویش ببر" و ابوطالب او را با شتاب به مکه باز گردانید.» (طبری، ۱۳۵۲: ۸۳۰/۳- مفریزی، ۱۹۹۹/۱۴۲۰: ۱۵/۱).

مورد دیگری از حضور اعراب در جوامع مسیحی و حتی در عبادتگاههای آنها حکایت می کند ضمن داستان اصحاب فیل نقل شده است که در آن علت عصبانیت ابرهه از اعراب که منجر به تصمیم او برای تخریب خانه کعبه شد این بود که دو عرب عبادتگاه مسیحیان در یمن را آلوده کردند و ابرهه به تلافی این جسارت به سمت مکه لشکر کشی کرد(بلعمی، ۱۳۷۸: ۷۱۳-۷۱۲)

حضور مسیحیان و آشنایی اعراب با افکار مسیحی در حدی بود که تعدادی از اهالی مکه بر خلاف اعتقادات معمول جامعه دین مسیحیت را پذیرفته بودند.

«در مکه کنیزهای رومی و دو غلام نصرانی از منطقه عین تمر عراق و تعداد زیادی از بردگان حبشی که نصرانی بودند زندگی می کردند. در طائف هم عداس نصرانی که از اهالی نینوا در شمال عراق بود زندگی می کرد و کمی قبل از ظهور اسلام در مکه هم افرادی به نصرانیت گرویده بودند که از جمله آنها عقبه بن ابی لهب و عثمان بن حوریت و ورقه بن نوفل بودند» (یعقوبی، بی تا: ۲۵۸)

بعد از ظهور اسلام هم دوری مسافت و شرایط بد راهها نتوانست مانع رفت و آمدها بین مردم مناطق مسیحی نشین و مردم حجاز و مراودات مختلف میان آنها شود؛ از عوامل مهمی که در آشنایی بیش از پیش مسلمانان با فرهنگ و اعتقادات مسیحیان مؤثر واقع شد دو دوره مهاجرت مسلمانان به حبشه بود که بر اساس نقلهای تاریخی در دوره اول پانزده نفر (ابن اثیر: ۵۲/ ۲ و ۵۳) و در دوره دوم هشتاد نفر از مسلمانان به حبشه هجرت کردند و چند سال در میان مسیحیان آنجا زندگی کردند.

در کنار موارد فوق یکی از معروفترین اتفاقات تاریخی که نشان دهنده مبادلات فرهنگی و آگاهی مسلمانان و مسیحیان از وضع همدیگر است، ماجرای مباحله حضرت پیامبر ص و اهل بیت با مسیحیان می باشد. (میبدی، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۴۸)

بخش دوم

آشنایی مسلمانان با افکار مسیحیان به عنوان پیروان یک دین الهی این فرض را در ذهن برخی مسلمانان تقویت می کرد که لازمه رشد در مسیر قرب خداوند دوری از مواهب و لذت‌های جسمانی و به نوعی گرایش به رهبانیت می باشد، تعامل مسلمانان و مسیحیان و به تبع آن احتمال تاثیرپذیری مسلمانان از آنان تا حدی بود که خداوند آیاتی از قرآن را به ذکر و تحلیل اعتقاداتشان اختصاص داده است.

در سوره حدید چنین آمده است: «سپس در پی آنان رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشتیم بودیم گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند از این رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم و بسیاری از آنها فاسقند!» (حدید ۵۷/ آیه ۲۷) و البته این آیات خود می توانست انگیزه تحقیق بیش از پیش مسلمانان در مورد مسیحیت را فراهم آورد.

با این وجود در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) برخی افراد نسبت به خود سخت گیری هایی را اعمال می کردند که گاه با تذکر شدید پیامبر اکرم (ص) همراه می شد.

از اولین کسانی که نام او به واسطه رفتارهای شبه رهبانی در تاریخ آمده عثمان بن مظعون می باشد. پیامبر اکرم بعد مطلع شدن از تصمیم او در مورد گوشه گیری و کناره گیری از دنیا ناچار به موضع گیری و اظهار نظر شدند: «رسول اکرم (ص) در حالی که آثار خشم در چهره شان آشکار بود پیش او رفتند و فرمودند: ای عثمان بدان خدا مرا برای رهبانیت نفرستاده است شریعت من شریعت فطری آسان است من شخصاً نماز می خوانم و روزه می گیرم و با همسر خود نیز آمیزش می کنم هر کس می خواهد از دین من پیروی کند باید سنت مرا بپذیرد ازدواج و آمیزش زن و مرد با یکدیگر از سنتهای من است» (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ه ق: ۱۰۶/۲۰ و ۱۰۷)

اهمیت این مسئله در حدی بود که خداوند آیه ۸۷ سوره مائده را در مورد آن نازل کرد.^۶ ظاهراً تمایلات رهبانی به این مورد، محدود نبوده است، در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده که: سه تن از زنان به اتفاق، نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و هر کدام به نوعی از رفتار همسرانشان شکایت کردند: یکی گفت همسر من گوشت نمی خورد یکی گفت همسر من از عطر استفاده نمی کند و دیگری گفت همسر من از زنان رویگردان شده است.

هر چند که اینگونه رفتارها می توانست عوامل درون دینی هم داشته باشد یعنی برخی مسلمانان با تصور اجرای عملی آموزه های زهد اسلامی رفتارهایی انجام داده باشند که شبیه آموزه های رهبانیت مسیحی بوده است. اما دلیل محکمی وجود دارد که نشان می دهد که عامل اصلی یا حداقل یکی از عوامل مهم اینگونه رفتارهای برخی صحابه، تاثیر پذیری آنها از رهبانیت مسیحی بوده است، و آن دلیل به کار بردن لفظ رهبانیت در توصیف این کار آن افراد توسط خود پیامبر اکرم (ص) به عنوان آگاهترین فرد بر شرایط جامعه، و تأکید ایشان بر این که خداوند «مرا برای رهبانیت نفرستاده است».

با دقت در این گزارشات تاریخی می توان به نکات ذیل پی برد:

۱: عکس العمل جدی پیامبر اکرم (ص) این حدس را در ذهن تقویت می کند که ایشان خطر را جدی تر از یک اشتباه فردی احساس کرده اند و احتمالاً قبلاً هم با موارد مشابه مواجه شده بودند، اما تذکرات ایشان و حتی آیات قرآن نتوانست این افراد را متنبه کند تا دست از این رفتارهای شبهه رهبانی خود بردارند به همین خاطر پیامبر اکرم (ص) بسیار عصبانی شدند و در حالی که عباي ایشان به زمین کشیده می شد بدون بلافاصله پس از شنیدن این خبر به سوی مسجد برای

۶ - تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، جلد ۵، ص ۵۹

تذکر جدی تر حرکت کردند، این نوع سلوک از طرف رسول الله(ص) پیامش نشان دادن ناخوشنودی ایشان می باشد و می توان گفت سخنان که مطرح کردند کمی از مرحله تذکر مهربانانه گذر کرده صورت اخطار به خود گرفت و سخت تر از این هم تبری جستن ایشان از این افراد، و افکار و رفتارهایشان بود در حدی که اعلام کردند که چنین افرادی هیچ ارتباطی با من و آیین من ندارند.

۲: اگر تذکرات به موقع و جدی پیامبر اکرم(ص) نبود به تدریج این گرایشات از حالت فردی به سمت رفتار گروهی تغییر حالت می داد زیرا در گزارش تاریخی آمده که سه تن از زنان به اتفاق نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و هر کدام یک نوع رفتار خاص از همسرانشان گزارش دادند.

از این که این زنان به اتفاق نزد پیامبر (ص) آمده و شکایت کردند دو حالت قابل تصور است یا این که شوهران این زنان گروهی تشکیل داده بودند و به همین خاطر این زنان هم به اتفاق نزد ایشان آمدند.

و حالت دوم این است که هنوز این رفتارها جنبه گروهی پیدا نکرده بود اما به همان نسبتی که زنانشان توانستند همدیگر را پیدا کنند و گروهی نزد پیامبر (ص) بیایند دیری نمی پایید که شوهرانشان هم همدیگر را پیدا کرده و تشکیل گروهی جدای از جامعه، شبیه راهبان مسیحی بدهند که تذکر محکم و به موقعی پیامبر اکرم (ص) از این مسئله جلوگیری کرد.

هر چند این گونه تفکرات به واسطه مبارزه جدی پیامبر مجال بروز به صورت گروهی پیدا نکرد اما به صورت گرایشات فردی ادامه داشته است. گزارش دیگری از این نوع رفتار به زمان خلافت ظاهریه حضرت علی (ع) مربوط می شود و آن گزارش در مورد برادر فردی به نام علاء بن زیاد حارثی می باشد.

توجه به این نکته هم لازم است که احتمال این که تعداد این گونه افراد بیشتر بوده باشد و به دلایل مختلف در کتب تاریخی ذکر نشده باشد زیاد است و یا این که اصولاً در جایی این کارها صورت گرفته باشد که خبر آن به معصوم نرسیده باشد، این احتمال زمانی تقویت می شود که می بینیم در همین مورد اخیر اطلاع یافتن معصوم از ماجرا اتفاقی بوده است.

باید توجه داشت رفتارهای راهبانه دارای مبانی اندیشه ای متناسب با خودشان در تفکرات مسیحیان بوده، یعنی رهبانیت از یک طرف در جنبه اندیشه ای حاوی بدگمانی نسبت به انواع لذتها و مواهب دنیوی بوده و از طرف دیگر رفتارهایی دنیا گریزانه را در حوزه های مختلف تشویق می کرد، به همین نسبت مقابله اسلام با این پدیده را هم می توان با در نظر گرفتن این دو جنبه مطرح نمود همانگونه که گذشت پیامبر ص مانع رفتارهای راهبانه برخی مسلمانان می شدند و اگر بخواهیم نمونه ای از مبارزه نظری اسلام با تفکرات رهبانی را مثال بزنیم می توانیم مطالب مربوط به اخلاق جنسی را به دلیل پررنگ بودن موضوع مجرد در رهبانیت مطرح کنیم.

مروری بر احادیث پیامبر اکرم(ص) و بیانات صحابه ایشان ما را به این نتیجه می رساند که اسلام نه تنها غریزه جنسی را به چشم یک معضل و پلیدی - که تاجای ممکن باید از آن دوری کرد- نمی نگرد بلکه آنرا از ضروریات زندگی دینی معرفی می کند؛ در قرآن کریم نه تنها هیچ آیه ای مبنی بر نامطلوب بودن امور جنسی و مانع بودن آن برای رشد معنوی باشد نمی یابیم، بلکه ازدواج - که راهکار مشروع پاسخ گویی به نیاز جنسی می باشد- را فراتر از یک واجب فردی دانسته، فراهم کردن شرایط ازدواج برای وابستگان را به مومنان توصیه می کند.(نور/۳۲)

حضرت رسول (ص) نه تنها پرداختن به این امور را از ضرور معرفی نکرده است بلکه انجام آنرا با رعایت ضوابط و شرایطش از لوازم رشد معنوی معرفی نموده اند، تا جایی که ایشان در بیانی، نکاح را سنت خود معرفی کرده و از ترک کننده این سنت براءت می جوید. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۰ / ۲۲۰) با توجه به اینکه قرآن، پیامبر اکرم(ص) را اسوه مسلمانان معرفی کرده است سنت ایشان جایگاه ویژه ای در تفکر اسلامی داشته، و میزان مسلمان بودن هر فرد رابطه مستقیم با میزان تبعیت او از سنت پیامبر داشته و یک تشریفات بی هدف محسوب نمی شود تا جایی که یکی از سه منبع تشخیص احکام فقهی، «سنت» می باشد.

پیامبر (ص) نه تنها ازدواج را به عنوان ضرورت دینداری معرفی می کردند بلکه سعی می کردند میزان بالای اهمیت آن را هم بیان کنند به عنوان مثال چنین فرموده اند: اگر کسی ازدواج کند گویی نیمی از دین خود را به دست آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴) و بر عکس تجرد را دارای آفات زیادی دانسته و به شدت آنرا نفی کرده اند تا جایی که می فرماید: شریکترین مردگان شما افراد بی همسر هستند. (همان: ۱۰۰ / ۲۲۰) در حدیثی دیگر مقایسه معناداری بین دو فرد مجرد و متأهل صورت گرفته است: فرد متأهل در حال خواب بهتر است از مجرد روزه دار در حال نماز. (همان: ۱۰۰ / ۲۲۱) نزد خداوند عزیز و بلند مرتبه محبوبتر از ازدواج بنایی در اسلام بنا نشده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ق: ۲۰ / ۱۵) ایشان در حدیثی تأمل برانگیز آماده شدن مرد برای همبستری با همسر خود را همانند آماده شدن برای جهاد در راه خدا معرفی می کند. (همان: ۲۰ / ۱۰۸)

به موارد فوق احادیث مربوط به نوع ارتباط همسران را هم می توان اضافه نمود که در آنها هیچ صحبت و نشانی از قبیح دانستن مسائل جنسی مشاهده نمی شود تا جایی که رسول خدا به زنان فرمودند نمازتان را طولانی نکنید تا موجب منع همسرانتان بشود. یا اینکه امام صادق (ع) خبر داده اند که: رسول خدا زنان را از کناره جستن از عمل زناشویی و ... نهی نمود دیدگاه اسلام را در امور مربوط به غریزه جنسی با مطالعه شواهد تاریخی مربوط به جامعه تحت رهبری پیامبر (ص) هم می توان درک کرد.

به نظر می رسد عادی پنداشتن اینگونه مسائل آنچنان به مردم آموزش داده شده بود که آن را به یک امر حاشیه ای در کنار سایر امور زندگی تبدیل کرده بود. به عنوان مثال در کتب حدیثی شیعه و سنی مواجهه سهل گیرانه حضرت رسول (ص) و صحابه با غریزه جنسی کاملاً آشکار است: جابر بن عبدالله می گوید ما در عهد رسول خدا با مشتی آرد و خرما متعه می کردیم. یا اینکه عمران روایت می کند که آیه متعه در کتاب خدا نازل شد و ما ... به آن عمل می کردیم. این بیانات نشان دهنده نوع تفکراتی است که حضرت پیامبر (ص) به اطرافیان خود آموزش می دادند

نتیجه گیری

با بررسی ادیان، این حقیقت که مجاورت آنها به تأثیر گذاری متقابل می انجامد بر ما آشکار می شود، بررسی دقیق میزان تأثیر تفکرات رهبانی در میان مسلمانان کاری دشوار یا غیر ممکن است زیرا رفتارهای دنیا گریزانه ممکن است از عوامل مختلف ناشی شده باشد و نمی توان به سادگی سهم هر عامل را مشخص کرد، اما آنچه که از بیان کتاب خدا و احادیث پیامبر ص می توان فهمید این است که خطر تأثیرپذیری مسلمانان از تفکرات و رفتارهای دنیاگريزانه از مسیحیت بسیار جدی بوده و به همین دلیل هم در آیات قرآن و هم در بیانات حضرت پیامبر به تصریح بر عنوان رهبانیت اشاره شده و آنرا نفی کرده اند با این توصیفات لازم است مسلمانان همواره در شناسایی عناصر احتمالی وارد شده در دین تلاش کرده و سعی کنند ضمن کنار زدن آنچه که در طول زمان در دین وارد شده در حد امکان آموزه های اصلی را جایگزین آن امور کنند تا از آثار منفی آن به دور باشند در مثال بالا روشن شد که یکی از عوامل گرایش به پلید انگاری امور مربوط به غریزه جنسی که می تواند آثار گاه جبران نشدنی در ابعاد معنوی و تمدنی برای مسلمانان داشته باشد نفوذ تفکرات مسیحیان راهب پیشه در میان

الکافی ج: ۵ ص: ۵۰۸

الکافی ج: ۵ ص: ۵۰۹

بحارالأنوار ج: ۳۰ ص ۵۹۸: همچنین مسلم، صحیح ج ۹ ص ۱۸۳ و ۹۱۸۴

بحارالأنوار ج: ۳۰ ص: ۶۱۴ و همچنین صحیح مسلم باب ما جاء فی نکاح المتعه ج ۲ ص ۱۰۲۲ و همچنین صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۳۵، بخاری،^۱

محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳۵، کتاب المغازی باب غزوة خیبر.

مسلمانان بوده است؛ این تفکر که به تائید قرآن خود، عامل فساد میان اهل کلیسا گشته در میان مسلمانان هم اثر مشابهی بر جای گذاشته و در صورت عدم چاره اندیشی به جای خواهد گذاشت.

منابع

قرآن مجید

- ۱- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، چاپ ۲۲، تهران، صدرا
- ۲- مجلسی، علامه، ۱۴۰۴ ه ق، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء
- ۳- توفیقی، حسین، ۱۳۷۹، آشنایی با ادیان بزرگ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ذیل عنوان آشنایی با آیین مسیحیت، به نقل از سایت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تاریخ دسترسی ۹۱/۶/۲۸
- ۴- کلینی، ثقة الاسلام ۱۳۶۵ ه ش، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية
- ۵- یوسفی غروی، محمد هادی، چاپ، دوم ۱۳۸۲ ه ش، تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعه التاریخ الاسلامی)، ترجمه حسین علی عربی، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- ۶- دورانت، ویل، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ه ش، تاریخ تمدن، مترجمان: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۷- بی ناس، جان، چاپ نهم، ۱۳۷۷ ه ش، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- ۸- راسل، برتراند، پنجم، ۱۳۶۵ ه ش، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریاباری، تهران، پرواز
- ۹- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۲ ه ش، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ۱۰- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد، ۱۳۷۱ ه ش، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، امیر کبیر
- ۱۱- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ه ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- ۱۲- مقاله تأملی بر اندیشه های «هیرونوموس» مترجم انجیل و مبلغ رهبانیت مسیحی در قرن چهارم میلادی» رهبانیت افراطی، نشریه پگاه حوزه، ۱۱ آبان ۱۳۸۷، شماره ۲۴۲
- ۱۳- میشل، توماس، ۱۳۸۱، کلام مسیحی، مترجم حسین توفیقی، حوزه علمیه قم مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
- ۱۴- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، چاپ ششم، ۱۳۷۱، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۳۱۳
- ۱۵- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر، تاریخ الیعقوبی، بی تا، المجلد الأول، بیروت: دار صادر، ص ۲۵۸.
- ۱۶- مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، چاپ اول، ۱۹۹۹/۱۴۲۰، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیس، جلد اول، بیروت، دار الکتب العلمیه
- ۱۷- بلعمی، گردانیده منسوب به بلعمی (ق ۴)، چ دوم، ۱۳۷۸، تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، تهران، سروش
- ۱۸- ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین، الکامل فی تاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، موسسه مطبوعاتی علمی جلد ۲ ص ۵۲ و ۵۳
- ۱۹- اصفهانی، راغب، حسین بن محمد (م. ۵۰۲ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ ج دوم، ترجمه ی حسین خداپرست؛ چاپ اول، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷ ش
- ۲۰- زرگری نژاد، تاریخ تحلیلی عصر نبوت؛ تهران: سمت

۲۱- شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، چاپ، سی و دوم، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش

۲۲- القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج، المسند الصحيح، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربی

— بیروت، بی تا

۲۳- البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، محقق، محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (مصوره

عن السلطانیة بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) چاپ اول، ۱۴۲۲ ه. ق